اتحاد اسلامی و تقریب مذاهب در اندیشه امام خمینی (ره)

سید حسن مخبر

از زمانی که اندیشه وحدت شیعه و سنّی و تقریب مذاهب اسلامی در عصر ما احیا شد، چیزی کمتر از دو قرن می گذرد و در این مدت با گروه های مختلفی از موافقین و مخالفین رو به رو شده است. گروهی چنین وحدت و همگرایی را اساساً غیر ممکن دانسته اند، گروهی آن را دسیسه غیر مسلمین خوانده اند، گروهی آن را حیله مذهب رقیب معرفی کرده و گروهی دیگر نه تنها آن را ممکن دانسته اند بلکه ضروریش خوانده اند. در میان آنان که به این اندیشه اقبال کرده اند برخی آن را یک تاکتیک سیاسی تلقی کرده و گروهی دیگر آن را تعلیم اساسی اسلام برای تأمین منافع عمومی دنیای اسلام بر شمرده اند.

اما به راستی معنای وحدت میان مذاهب اسلامی چیست؟ تفاوت وحدت با تقریب و نزدیکی مذاهب کجاست؟ آیا چنین وحدت و تقریبی اساساً شدنی است؟ آیا وحدت و تقریب میان مذاهب به معنای دست شستن از حقانیتِ مذهب حق و همسان شدن همه مذاهب است؟ اگر چنین باشد مذهب غالب چیست و مذهب مغلوب چرا باید به این غلبه تن بدهد؟ و ... اینها نمونه ایست از ده ها سؤال مشابه که می تواند در زمینه چرایی، چگونگی و ضرورت مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی مطرح شود و پاسخ آنها را تنها در واکاوی اندیشه کسانی می توان جست که به این مسئله اندیشیده و در مسیر آن دست به کار اقدامات عملی شده اند.

امام خمینی(س) از زمره ممتازترین شخصیتهای برجسته ایست که بر وحدت و همگرایی همه مذاهب اسلامی تأکید ورزیده اند و آن را نه تنها در سطح یک نظریه و اندیشه صرف، بلکه به عنوان یک سیاست راهبردی و همیشگی در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی مطرح ساخته اند.

این نوشته در پی آن است تا با واکاوی نظریه های مختلف درباره وحدت و همگرایی مذاهب اسلامی، جایگاه امام خمینی(س) را در میان اندیشمندانی که به این مسئله پرداخته اند روشن نموده و وحدت اسلامی و تقریب مذاهب را از منظر ایشان بازخوانی نماید.

بازخوانی معانی وحدت و تقریب مذاهب

به منظور مفاهمه در هر مسئله ای نخست می باید برای الفاظی که به کار گرفته می شود به یک وحدت تعریف دست یافت چه اینکه بسیاری از مناقشاتی که مانع از تفاهم و شکل گیری یک گفتگوی سازنده می شود از فقدان چنین تعریف واحدی سرچشمه می گیرند. مسئله وحدت مذاهب شیعه و سنّی و اندیشه تقریب نیز از ایجاد چنین موانعی مصون نمانده است. گاه با ارائه تعریفهای نادرست از این دو اصطلاح راه

مفاهمه و هم گرایی بسته شده است و گاه این آسیب از خلط معانی این دو با یکدیگر نشأت گرفته اند. اما با بررسی آثار باورمندان به وحدت و تقریب مذاهب اسلامی می توان به تعاریف جامعی از وحدت و تقریب مذاهب اسلامی دست یافت که اتکاء بر آنها از سوء برداشتهای احتمالی جلوگیری خواهد کرد. آنچه در ذیل می آید تعاریفی است که برآیند مطالعه نویسنده در آثار این گروه از اندیشمندان است و این نوشته بر مبنای همین تعاریف به بحث از وحدت و تقریب میان مذاهب خواهد پرداخت.

وحدت شیعه و سنّی

عبارتست از همکاری پیروان مذاهب مختلف اسلامی بر اساس اصول مشترکی که تمام مذاهب برآنها اتفاق نظر دارند و اخذ مواضع واحد عملی در برابر مخالفان اسلام به منظور تحقق اهداف و و مصالح عمومی امت اسلامی و احترام به تعلق خاطر و پیروی عملی هر یک از مسلمین به مذهب خویش.

تقریب مذاهب اسلامی

عبارتست از نزدیک شدن باورمندان به مذاهب مختلف اسلامی بر پایه اصول مشترک و متفق علیه همه مذاهب به منظور شناخت و توسعه مشترکات میان مذاهب و دستیابی به سطح برتری از اخوّت دینی.

ذکر این نکته بایسته است که در برخی از آثار تقریبی، قید «معذور داشتن یکدیگر در موارد اختلاف» و در برخی دیگر قید « تلاش در جهت تبیین و حل موارد اختلاف» در معنای تقریب اخذ شده است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

مخالفین وحدت و تقریب

پیش از این اشاره شد که اندیشه وحدت و تقریب میان مذاهب اسلامی در میان اندیشمندان مذاهب گوناگون با موافقتها و مخالفتهایی رو به رو شده است. دانستن انگیزه های مخالفت با وحدت و قریب میان مذاهب اسلامی ما را در به دست آوردن نگاهی روشنتر از مسئله یاری خواهد رساند.

انگیزه های مخالفت در برخی اندیشمندان اهل سنت

1- شیعه بر حق نیست: از آنجا که شیعه در زمره مذاهب بر حق نیست هر گونه امکان وحدت با آنها و تقریب به آنان منتفی است چرا که وحدت و تقریب، تنها در جایی فرض می شود که فرقه های متخالف بر طریقه حق باشند و بخواهند به واسطه وحدت و تقریب از اختلافاتشان بکاهند ولی شیعیان به واسطه عقاید خاصّی که دارند از زمره این گروه ها خارجند و با فرق باطله نمی توان به وحدت یا تقریب دست یافت.

2- سیاستی برای نفوذ شیعه: شیعیان همواره طراحان، منادیان و جلوداران این ایده بوده اند. این جلوداری از آن روست که آنان با مخفی کردن باورهایشان و به اصطلاح با تقیه و به بهانه وحدت و تقریب خواسته اند تا در صفوف اهل سنت نفوذ کنند و بدین وسیله به نشر افکار و ترویج اندیشه های خودشان بپردازند و راهی را برای شیعه کردن اهل سنت بیابند و در این در حقیقت از حیله های شیعیان است و روشن است که در این صورت اهل سنت از چنین ایده ای خسارت خواهند دید. [ن.ک مسألة التقریب بین اهل السنة و الشیعة/ ناصر بن عبدا بن علی القفاری و المؤامرة علی الکعبة من القرامطة الی الخمینی/

عبد المنعم النمر]

انگیزه های مخالفت در برخی اندیشمندان شیعه

1- مانعی برای تبلیغ تشیع: اهل سنت از دیرباز بر این باور بوده اند که باید تبلیغات شیعیان را بی رنگ کنند و حتی المقدور اجازه تبلیغ به آنها ندهند. برای رسیدن به چنین منظوری اندیشه وحدت و تقریب را مطرح کرده اند تا بدین وسیله اختلافات میان فرق خودشان را کم کنند و در عین حال از تبلیغ شیعیان جلوگیری کرده باشند. [ن.ک مقدمه ترجمه مناظرة مع بعض العامه/ ترجمه میر سید احمد روضاتی]

2- حیله ای برای خلط حق و باطل: وحدت و نزدیکی میان شیعیان و اهل سنت مستلزم آن است که شیعیان در بسیاری از مسائل کوتاه بیایند و حرفهای حق شیعیان با باورهای باطل دیگران در هم بیامیزند و خلط شوند و در نتیجه آرام آرام حق در زیر سلطه باطل محو و نابود شود. از این روی چنین شعاری پذیرفتنی نیست.[ن.ک جزوه حقیقت وحدت در دین/ یعسوب الدین رستگار جویباری]

اگر چه می توان برای مخالفت با تقریب و وحدت اسلامی در میان دانشمندان اهل سنت و اندیشوران شیعه ادله و انگیزه های دیگری نیز یافت اما آنچه آمد دو انگیزه و دلیل اساسی از ادله مخالفان وحدت و تقریب در میان اهل سنت و شیعیان بود که به نوعی می توان آنها را جامع همه ادله به شمار آورد.

همانطور که پیداست انگیزه مخالفت این گروه از دانشوران از نوع نگاه آنان به مقوله وحدت و تقریب نشأت می گیرد و علاوه برآن سوء ظن، بی اعتمادی و باورهای غلط نسبت به یکدیگر نیز در این استدلالها به خوبی خود را نشان می دهد. شاید چنین باورهایی را بتوان از محکمترین ادله برای ضرورت رویکرد به مقوله وحدت اسلامی و تقریب مذاهب به یکدیگر دانست چرا که تنها در این صورت است که می شود سوء ظن ها را به حسن ظن تبدیل کرد و با شفاف سازی موقعیتهای مختلف اجتماعی، سیاسی و باورها و نگرش های مذهبی به این گونه مخالفتها پایان داد.

لازم به ذکر است که به رغم وجود مخالفین تقریب و وحدت امت اسلامی که امروزه بیشتر در سلفی های اهل سنت و گروهی اندک از شیعیان متمرکز شده اند، در میان اغلب علماء و دانشمندان مذاهب اسلامی اعم از مذاهب متعدد سنّی و شیعه نسبت به وحدت و تقریب مذاهب اسلامی رویکرد مثبتی وجود دارد.

پیشینه وحدت و تقریب مذاهب اسلامی

اگر چه احیاء نهضت تقریب و اندیشه وحدت امت اسلامی در روزگار ما به چیزی کمتر از دو قرن باز می گردد اما مطالعه تاریخ اسلام به ویژه سیره خاندان عترت(ع) بیانگر وجود ریشه های این تفکر و عقبه فکری این نهضت در عصر ائمه(ع) است. تاریخ نشان می دهد امامان(ع) و شاگردان آنان با وجود اختلافات فکری، عقیدتی و فقهی با فقها و علمای مسلمین و رهبران مذاهب دیگر با آنان مراوده داشته و به مباحثات علمی می پرداخته اند و میان آنان روابطی چون روابط شاگرد و استادی جریان داشته است. بزرگان اهل سنت در کلاسهای درس صادقین(ع) شرکت می جستند و برخی از آنان چون ابوحنیفه و مالک علاوه بر افتخار خود به شاگردی آنان به نقل حدیث از ایشان مبادرت می ورزیدند. بر همین اساس است که در

مجامع روایی شیعی و سنّی با راویان مشترک فراوانی مواجه می شویم و شاهد نقل بیش از ده هزار حدیث از ائمه (ع) در مجامع روایی مهم اهل سنت هستیم.

با دقت در تاریخ علماء شیعه پس از عصر غیبت روشن می شود که بزرگانی نظیر شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه طبرسی، شهید اول و شهید ثانی به تدریس فقه مذاهب اهل سنت می پرداختند و در عین پای بندی به تمام معتقدات مذهب اهل بیت(ع) از تعصب ورزی به دور بوده و حتی به نقل اقوال علمای مذاهب مختلف مباردت می ورزیدند و با کلامی متین و استدلالهایی علمی از آراء مدرسه اهل بیت(ع) دفاع می کردند. افزون بر این بزرگانی مانند علامه طبرسی و شیخ طوسی به تألیف کتبی چون «الخلاف» و «المؤتلف من المختلف» پرداخته و مباحث فقه و کلام مقارن را در آنها مطرح می ساختند. این روش تا مدتها در میان نوسیندگان کتب فقهی استدلالی شیعه رواج داشته است.

در میان برخی اندیشمندان اهل سنت نیز علائمی دال بر نفی تعصبهای بی جا و اظهار ارادت به ائمه اطهار(ع) به چشم می خورد که اشعار معروف شافعی نمونه ای بارز از این اظهار ارادتها به شمار می آید. نمونه دیگر از این دست روایتی است که مرحوم شیخ صدوق در کتاب خصال از مالک بن انس فقیه مذهب مالکی نقل می کند:

مالک بن انس، فقیه مدینه (و پیشوای مذهب مالکی) میگوید: نزد جعفر بن محمد الصادق وارد میشدم و او مخدّه برای من میگذاشت و به من احترام میکرد و میگفت: ای مالک من تو را دوست دارم و من از این رفتار خوشحال میشدم و خدا را سپاس میگفتم، و آن حضرت از یکی از سه حالت بیرون نبود: یا روزه داشت و یا قیام به نماز میکرد و یا یاد خدا میکرد. او از بزرگان عابدان و اکابر زاهدانی بود که از خداوند میترسند و حدیث زیاد میگفت و خوش مجلس بود و فایدههای بسیاری میداد، هنگامی که میگفت: رسول خدا فرمود: گاهی رنگش سبز و گاهی زرد میشد تا جایی که آشنایش او را نمیشناخت و من یک سال با او به حج رفتم، هنگامی که موقع احرام بر مرکبش استوار شد هر دم که میخواست لبیک بگوید صدایش در گلویش قطع میشد و نزدیک بود که از مرکبش بیفتد. پس به او گفتم: ای پسر پیامبر، لبیک بگو که ناچار باید بگویی، او گفت: ای ابن عامر، چگونه جسارت کنم که بگویم: «لبیک اللهم لبیک» و من میترسم که خداوند به من بگوید «لا لبیک و لا سعدیک» یعنی تو را نمیپذیرم. [الخصال، ج1، 167]

بنیانهای وحدت و تقریب

بنیان ها و بنیادهای وحدت امت اسلامی و نزدیکی مذاهب مختلف به یکدیگر یا ریشه در آموزه های متعالی قرآن، نبی مکرم خدا و عترت طاهره دارد و یا از بستر اصل عقلایی رعایت مصالح عمومی مسلمین برگرفته شده است. آشنایی با این بنیانها ما را به درک روشنتری از مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی رهنمون می شود.

1- اصل وحدت امت

وحدت امت اسلامی اصلی است که ریشه در آیات قرآن کریم و سنت شریف پیامبر(ص) و سیره نورانی ائمه(ع) دارد. آیاتی چون «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» [آلعمران، 103] ضرورت اصل وحدت امت اسلامی را به وضوح بیان می دارد. افزون بر آیات قرآن سیره امیر مومنان علی(ع) و ائمه اطهار(ع) الگوی عملی ماست. آن حضرت در عین آنکه خلافت جامعه اسلامی پس از پیامبر را حق خود می دانست اما در عصر خلافت خلفاء از نصحیت خلفاء و ارائه صادقانه مشورت به آنان و اعطای اجازه به یاران و اصحابش برای تصدی مناصب مختلف حکومتی و خیر خواهی جامعه اسلامی خود داری نمی کرد. به گواهی تاریخ این سیره در فرزندان ایشان نیز جریان داشت تا جائی که دولت امو از کمک های امام باقر(ع) در ایجاد سکه رایج اسلامی بهره می برد. این همه از آن جهت بود که وحدت امت اسلامی پاس داشته شده و به افتراق و جدائی بدل نشود .

2- اصل اخوت اسلامی

این اصل نیز از اصول مصرح در آیات قرآن کریم است . «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» [حجرات، آیه10] این آیه به روشنی از ضرورت اصلاح اختلافات میان برادران ایمانی سخن می گوید و آن را موجب جلب رحمت خدای سبحان بر می شمارد. توجه به سیره پیشوایان معصوم(ع) در برابر صاحبان سایر مذاهب اسلامی و سفارش رعایت حسن همزیستی و حفظ روابط برادرانه با آنان بیش از آن است که در حوصله این مختصر بگنجد. از میان تمام آن روایات به نقل یک روایت بسنده می کنم. روایتی که به زیبایی تمام بر حسن رفتار و معاشرت و همزیستی با اهل مذاهب دیگر تصریح می کند و جلوه ای از اخوت اسلامی را به نمایش می گذارد.

«عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَى أَمْرِنَا قَالَ تَنْظُرُونَ إِلَى أَئِمَّتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ فَوَ اللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ.» [کافی،ج2،ص 636] معاویة بن وهب گفت: عرض کردم در روابط میان ما و قوم ما و میان مردمانی که با آنان زندگی می کنیم و بر مذهبی جز مذهب ما هستند چه رفتاری برای ما شایسته است؟ امام صادق(ع) فرمودک به پیشوایان و امامان خود که به آنها اقتدا می کنید بنگرید و همان رفتاری را داشته باشید

که آنها دارند. به خدا که پیشوایان شما به عیادت بیماران آنها می روند و در تشییع جنازهای آنان شرکت می کنند به سود و زیان آنها شهادت می دهند و امانتهایشان را به آنان باز می گردانند.

3- تأکید بر اصول مشترک

تعدد باورها و تفاوت اندیشه انسانها در هر زمینه ای نشان از اختلاف فهم و تفاوت برداشتها دارد. تفاوتهایی که گاه از بستر شرایط متفاوت تربیت و رشد انسانها بر می خیزد و گاه نمودی از تأثیر آموزش و محیط بر اندیشه آدمی است . راز تعدد مذاهب را نیز می توان در همین معنی جستجو کرد. اما با وجود تمام تفاوتهایی که میان اجتهادات صاحبان فتوی و علماء علم کلام در مذاهب گوناگون جریان دارد در بسیاری از اصول اعتقادی و کلامی و فروعات فقهی و تعالیم اخلاقی آنها مشترکات فراوانی را نیز می توان سراغ گرفت. این اصول و مبانی مشترک اگر مبنای وحدت، تعامل و نزدیکی مذاهب قرار گیرند راه را به سوی گسترش مشترکات در امور جزئتی تر باز خواهند کرد.

4- مصالح عمومی امت اسلام

تقدم مصالح امت اسلامی بر مصالح و منافع اشخاص، گروه ها و مذاهب چیزی نیست که نیاز به اثبات داشته باشد. امروزه نیز بشر بر مبنای عقل و خرد خویش اولویت منافع عمومی بر منافع فردی و گروهی را به رسمیت شناخته است و بر اساس آن رفتار خویش را مدیریت می کند. این اصل عقلایی از پشتیبانی تعالیم قرآنی و سیره پیامبر(ص) و ائمه طاهرین(ع) نیز برخوردار است. بدون تردید شیوه رفتار و تعاملات حضرت امیر مومنان علی(ع) با خلفای معاصرشان و نیز توصیه های ائمه (ع) به شیعیان در جهت حفظ انسجام جامعه و پیوند با مخالفان اعتقادی افزون بر علل پیش گفته بر این اصل اساسی نیز تکیه داشته است.

در عصر ما که مستکبرین عالم و آنان که منافع خویش را در نابودی یا انفعال مطلق دنیای اسلام جستجو می کنند از هرگونه هجوم کهن و مدرن دریغ نمی ورزند و نه تنها منافع مادی که هویت اسلامی تمام مسلمین را بدون تفاوت در مذهب آنها نشانه می روند این اصل عقلایی اقتضا می کند تا مسلمین دست از تنازعات بی پایان و تخاصمات فرسایش دهنده با یکدیگر کشیده و عزت و هیبت خود را در پرتو وحدت، همکاری، همیاری و همدلی به دست آورده و محافظت نمایند.

امام خمینی، تقریب و وحدت امت اسلام

بزرگان و اندیشمندان شیعه و سنّی که با باور به ضرورت وحدت اسلامی و تقریب مذاهب به تلاش در این راستا برخاسته اند رویکردهای متفاوتی را برگزیده اند که به طور کلّی می توان آنها را به دو رویکرد عمده سیاسی اجتماعی و گفتمان علمی تقسیم کرد. این دو گروه از اندیشمندان همواره خود را بر حفظ بنیانهای چهارگانه وحدت امت اسلام متعهد دانسته و کوشیده اند تا رویکرد خویش را بر محور این اصول تنظیم کنند اما حقیقت آن است که در این مسیر توفیق کاملی به دست نیاورده اند چه این که برخی

با تمرکز بر تأمین مصالح و منافع عمومی جامعه اسلامی از توجه لازم به مشترکات و بهره مندی از آن غافل مانده اند و برخ دیگر با تمرکز بر مباحثات علمی و بازنگری های درون مذهبی به جنبه های سیاسی و اجتماعی آن کمتر بهاء داده اند.

مطالعه در آثار به جای مانده از امام خمینی(س) که از ممتازترین منادیان وحدت و تقریب میان امت و مذاهب اسلامی بوده اند پرده از نگاه عمیق و جامع ایشان در این موضوع بر می گیرد. امام خمینی(س) با ژرف اندیشی، واقع گرایی و جامع بینی خویش، اندیشه وحدت بخش و تقریبی خود را بر هر چهار مبنای پیش گفته استوار کرده اند و در عین حال توجه به مصالح عمومی و شرایط سیاسی اجتماعی جوامع اسلامی را در اولویت قرار داده اند چرا که هرگونه تلاش برای تقریب از طریق مباحثات عملی در صورتی امکان پذیر است که مسلمانان در امنیت و اقتدار به سر ببرند تا در پرتو آن بتوانند به بسط تعاملات علمی و تصحیح نگاه مذاهب به یکدیگر بپردازند و بدیهی است در فضایی که مسلمانان در موضع ضعف و ناکارآمدی و اختلافات ناشی از آن به سر می برند گفتگوهای علمی به بار نخواهد نشست.

1- اصول وحدت و اخوت اسلامی در نگاه امام خمینی(س)

ایشان با تکیه بر اصل وحدت اسلامی بر همگرایی و اتحاد امت اسلامی و فرق مذهبی تأکید ورزیده و اختلافات فقهی و اجتهادی را موجب جدایی و تفرقه بر نمی شمارند. امام خمینی(س) تعلق و اعتقاد به قرآن و توحید و تلاش برای خدمت به این دو را به عنوان اهداف عالی اجتماع مسلمین معرفی کرده، گروه بندی های رایج در دنیای اسلام را از پایه نادرست می خوانند. ایشان جدائی و انشقاق مذاهب اسلامی را به زیان مسلمین دانسته و به پرهیز از آن هشدار می دهند.

یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دستهای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و یک دستهای حنبلی و دستهای اخباری هستند؛ اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود.

در یک جامعهای که همه میخواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم؛ منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه، اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فِرق، آنها میخواهند نه این باشد نه آن، راه را این طور میدانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم، و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم. [صحیفه امام،ج13، ص 54]

امام خمینی(س) در فرازهای دیگری از سخنانشان با تأکید بر اخوت اسلامی میان شیعیان و اهل تسنن ضمن

نفی افتراق این دو گروه بزرگ عالم اسلام هر گونه سخن یا حرکتی که به انشقاق و افتراق صفوف واحد مسلمین منجر شود را مردود دانسته و منادیان آن را جاهل خوانده اند.

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند.[صحیفه امام،ج6، ص133]

ایشان در سخنان و فتاوای فقهی خود نیز به این اصول اساسی توجه داشته اند و در تمام مواضع به ویژه در همایش بزرگ و جهانی حج با پیروی از سیره ائمه طاهرین(ع) شیعیان را به مراعات شروط وحدت و اخوت اسلامی و شرکت در نمازهای جماعت برادران اهل سنت و پرهیز از رفتارهایی که موجب آسیب به وحدت و اخوت اسلامی می شود توصیه فرموده اند.

لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویّه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند. [صحیفه امام،ج10، ص 62]

2- اصول مشترک اسلامی در نگاه امام خمینی(س)

همانطور که پیشتر گذشت مذاهب مختلف اسلامی به رغم اختلافات و تفاوتهایی که با یکدیگر دارند از نقاط مشترک اصولی و فراوانی بهره می برند که تمرکز و تأکید بر آن اصول مشترک، منازعات میان آنان را به مباحثاتی علمی و برادرانه و اختلافاتشان را به توافق و همدلی بدل خواهد کرد. تأکید بر مشترکات و اجتماع بر محور آنها نه تنها موجب نزدیکی بیشتر میان مذاهب اسلامی شده و وحدت آنها را تحکیم می کند بلکه از گروه های متفرق اسلامی نیروی واحد و مستحکمی خواهد ساخت که از تعدی به مسلمین جلوگیری خواهد کرد. ایشان باور به توحید و اعتقاد به معاد را از باورهای اصولی و اساسی همه فرق اسلامی معرفی کرده و امت اسلامی را بر اساس محوریت این اصول امت واحده می نامند.

ما همه در تحت لوای توحید مجتمع هستیم. ایران مال همه است و توحید مذهب همه است و مبدأ و معاد ایده همه است و ما این مشترکات را داریم و ملت واحده هستیم.

[صحیفه امام،ج17، ص 98]

3- مصالح عمومی امت اسلام در نگاه امام خمینی(س)

اصول سه گانه گذشته در حقیقت وسیله ای برای تأمین مصالح عمومی ملت اسلام است و از این روست که امام خمینی(س) با توجه به این اصل اساسی می کوشد تا مسلمانان و حاکمان حکومتهای اسلامی را متوجه ضرورت وحدت و همدلی برای کسب و حفظ منافع عمومی جامعه اسلامی نماید.

ایشان در سخنان متعددی حکام سرزمین های اسلامی را به وحدت با یکدیگر توصیه کرده و به پرهیز از مناقشات بی ثمر و جزئی فرا می خوانند. از منظر امام خمینی(س) آنچه می تواند در برابر حملات

دشمنان اسلام مانند رژیم اشغالگر قدس قدرتمند ساخته و دشمن واحد دنیای اسلام را متوقف کند و منافع در خطر افتاده و ثروتهای به باد رفته مسلمین را به آنها بازگرداند وحدت تمامی دولتهای اسلامی است. الآن بر رؤسای اسلام، بر سلاطین اسلام، بر رؤسای جمهور اسلام، الآن تکلیف است که این اختلافات جزئی موسمی را که گاهی دارند، این اختلافات را کنار بگذارند؛ عرب و عجم ندارد، ترک و فارس ندارد؛ اسلام- کلمه اسلام- پیغمبر اسلام، همان طوری که خودشان طریقه مبارزه‌شان بوده است، باید آنها هم تَبَعَ باشند، تبع اسلام باشند. اگر وحدت کلمه خودشان را حفظ کنند، اگر این اختلافات جزئی موسمی را کنار بگذارند، اگر همه با هم همدست بشوند- هفتصد میلیون می‌گویند که جمعیت هست، اما هفتصد میلیون متفرق به قدر یک میلیون هم نیستند؛ هفتصد میلیون متفرق به درد نمی‌خورد؛ هزارها میلیون متفرق هم به درد نمی‌خورد؛ اما اگر این هفتصد میلیون، دویست میلیونش، چهار صد میلیونش، با هم دست بدهند، دست برادری بدهند، حدود و ثغورشان را حفظ کنند، حدود خودشان را حفظ کنند لکن در جامعه اسلامی که مشترک ما بین همه است، در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است با هم توحیدِ کلمه کنند. اگر اینها توحید کلمه کنند، دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند؛ دیگر هندو به کشمیر طمع نمی‌کند. این برای این است که نمی‌گذارند شما متحد بشوید. بدانند آنها- می‌دانند هم- دستهایی که می‌خواهند منابع شما را از دستتان بگیرند، می‌خواهند ثروت شما را به رایگان ببرند، می‌خواهند ذخایر تحت الارضی و فوق الارضی شما را به یغما ببرند، [صحیفه امام، ج2، ص 32 و 33]

ایشان در بخش دیگری از بیاناتشان وحدت اسلامی را منشاء پیدایش قدرت عظیم اسلامی بر می شمارند و آن را یک ضرورت قرآنی و اسلامی می دانند.

من امیدوارم که بین دولتهای اسلامی یک اخوتی، اخوت اسلامی، همان طوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود؛ که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، یک قدرت عظیمی است که هیچ یک از قدرتهای دنیا نمی‌توانند به پای آن باشند.[صحیفه امام،ج8، ص 88]

امام خمینی(س) مصالح امت و مذاهب اسلامی را مصالحی به هم پیوسته و یگانه می دانند و بروز اختلافات و منازعات مذهبی را موجب از میان رفتن مصالح همه مذاهب بر می شمارند. بر اساس نگرش ایشان حفظ کلمه توحید و مقدسات اسلامی در گرو تأمین مصالح مشترک میان مسلمین است که این مهم نیز جز با وحدت مسلمین فرا چنگ نمی آید.

شماها [علمای اهل سنت] بحمد الله خودتان بیدار هستید و ملت را در آنجا بیدار کنید. به همه آنها سفارش کنید که ماها برادر بودیم و هستیم و خواهیم بود و مصلحت شما مصلحت ماست، مصلحت ما مصلحت شماست. ما همه قرآن شریف را باید حفظ کنیم. ما همه دین اسلام را باید حفظ کنیم و با وحدت ان شاء اللّه، پیروز بشویم. و شما به آنها بگویید که هیچ گونه اختلافی را نگذارند رشد بکند، نگذارند بین مردم یک اختلافی ایجاد بشود؛ برای اینکه این اختلافات همه به ضرر اسلام است و به نفع دشمن؛ [صحیفه

امام،ج14، ص 381]

با توجه به آنچه گذشت امام خمینی(س) کوشید تا جامعه اسلامی را از تفریق به سوی تقریب و از انشقاق و تکثر به سوی وحدت و از منازعه و مخاصمه به سوی اخوت و همزیستی همدلانه رهنمون شود. حقیقتی که ضرورت آن در شرایط کنونی دنیا بیش از هر زمان دیگری درک می شود و از سویی دیگر با پیدایش گروه های افراطی مسلمان و تلاشهای مذبوحانه دشمنان اسلام با مقاومتهای جاهلانه ای نیز مواجه می شود.

اکنون باید از خویش بپرسیم آیا تلاشهای انجام گرفته در جهت ترویج وحدت و اخوت اسلامی و تقریب مذاهب دنیای اسلام به لحاظ عملی تا چه میزان موفق بوده است؟ آیا گفتمان تقریب و وحدت اسلامی خارج از شعاع شعار و سمینار و همایشهای جهانی اثر محسوسی را در دنیای معاصر موجب شده است؟ و آیا حوزه های علمیه و مراکزی که مسئولیت تبلیغ دین را به عهده داشته اند تا چه میزان مسئله وحدت و تقریب مذاهب اسلامی را به لحاظ عملی دستمایه فعالیت های خویش قرار داده اند؟

منبع: پرتال امام خمینی